



## درآمدی بر جرم‌شناسی راست جدید و گرایش‌های آن

دکتر علی نجفی توانا

شهرداد دارابی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۹/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۸/۱۰

### چکیده

در این مقاله سعی بر این است تا با تحلیل نوشتگان موجود در رابطه با جرم‌شناسی راست جدید، مفهوم و انواع مهم آن تبیین گردد. بر این اساس، پس از تحلیل مفاهیم موجود در مکتب جرم‌شناسی راست جدید، مبنی بر شیوه‌ی پیدایش و بسط اندیشه‌های جرم‌شناختی، انواع گرایش‌ها موثر در آن نیز مورد بررسی قرار گرفته است. نتیجه این‌که با توجه به ارائه‌ی رویکردهای اصلاح‌گرا توسط نظریه‌پردازان متعدد عرصه جرم‌شناسی که قائل به تأثیرپذیری مجرم از شرایط زیستی - روانی و اجتماعی بوده‌اند، با آغاز دهه‌ی ۱۹۸۰ و نوعی چرخش سیاسی به سوی جناح راست، شاهد گفتمانی توده‌گرا که متضمن برخورداری مجرم از آزادی اراده و نیاز به مقابله با جرم و دست یازیدن به رویکردهای سزاگرا و سرکوبگر است، می‌باشیم، این مکتب با دلایلی همچون خیزش فزاینده‌ی جرایم، افزایش ترس ناشی از جرم، جسارت مجرمین و تضعیف نظام عدالت کیفری موجب تجدید حیات مکتب کلاسیک در قالب نئوکلاسیک نوین گردیده است؛ با این وصف که در جرم‌شناسی راست نو رسوخ دیدگاه‌های سیاسی نیز مشهود است.

واژگان کلیدی: مکتب راست جدید، آزادی اراده، مقابله با جرم، رویکرد سزاگرا

---

\*استادیار دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز. نویسنده مسئول  
\*دانشجوی دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق واحد تهران مرکز و  
مدرس دانشگاه آزاد قم و همدان. مسئول مکاتبات

## مقدمه

تحول نهادهای حقوق کیفری برحسب نظام اجتماعی، نژاد، دین و اقالیم گوناگون فراز و نشیب‌هایی به خود دیده و هیچ‌گاه در طول تاریخ مسیر واحدی را نپیموده است. ظهور مکاتب مختلف در این عرصه همواره واجد نگرش و رهیافت‌های مشابه یا متفاوت به مقوله‌ی جرم، مجرم، مجازات و بزه دیده بوده است. پیدایش دیدگاه‌های نوین جرم‌شناسی همواره به دنبال بررسی علل ارتکاب جرم و راه‌های برخورد با آن، چه به شکل سرکوبگرانه و چه اصلاح‌گرایانه در جهت کاهش ارتکاب جرم و یا اقدامات پیشگیرانه بوده است. بدیهی است تولد نحله‌ها و نظریات متعدد در نیمه دوم قرن بیستم شیب تندتری به خود گرفته است؛ به گونه‌ای که پس از پیدایش جرم‌شناسی تحقیقی<sup>۱</sup> در قرن نوزدهم میلادی تزیاید دیدگاه‌های نوین در جرم‌شناسی، همچون نظریه‌ی فشار،<sup>۲</sup> نظریه‌ی برجسب‌زنی،<sup>۳</sup> نظریه‌ی مارکسیستی،<sup>۴</sup> نظریه‌ی فمینیستی،<sup>۵</sup> نظریه‌ی انتقادی<sup>۶</sup> و.. مطرح می‌شود. ویژگی مشترک همه‌ی این نظریه‌ها این است که از یک سو، رویکردها و دورنماهایشان، به طور عمده، حاصل تحقیقات میدانی و تجربی نیست، بلکه بیشتر جنبه‌ی نظری، فلسفی و گاه سیاسی – ایدئولوژیک، اعتراضی و مطالباتی دارد و در واقع حاصل تاملات انتقادی به نظریه‌ها و رویکردهای جرم‌شناسی است و از سوی دیگر، رویکرد انتقادی خود نسبت به مطالعات جرم‌شناختی را در ادامه و چارچوب جرم‌شناسی و با حفظ عنوان جرم‌شناسی مطرح می‌کنند و به جای ارائه راهکارها در چارچوب موجود برای جرم و انحراف، بیشتر تغییر قواعد و حتی نظم

- 
1. Positivist Criminology.
  2. Strain theory.
  3. Labelling theory
  4. Marxist criminology
  5. Feminist criminology
  6. Critical criminology

درآمدی بر جرم‌شناسی راست جدید و گرایش‌های آن.....۲۰۵

سیاسی - اقتصادی - فرهنگی حاکم را برای عقب راندن موج بزهکاری و انحراف دنبال می‌کنند.<sup>۱</sup> مع‌الوصف یکی از مکاتب نوظهور که در دهه‌های پیشین شکل گرفت، مکتب جرم‌شناسی راست جدید است، که به نوعی در برابر دیدگاه‌های جرم‌شناختی اصلاح‌گرایانه قرار گرفت و به دنبال افول هیبت و قدرت نظام عدالت کیفری از حیث متهم شدن به مسامحه و سهل‌گیری با مجرمین و تحمیل هزینه‌های هنگفت اقتصادی به دستگاه قضایی، در برخی از کشورهای آمریکایی و اروپایی، به تدریج رشد یافت؛ در این راستا آرا مخالفین از جانب جناح راست و محافظه‌کاران قوت گرفت؛ تا جایی که موجب شد از طریق شکل دادن به افکار عمومی بین رسانه‌ها و سیاستمداران، موافقت اکثریت عظیمی از مردم را با رویکردهای خویش به دست آورده و به تحکیم موقعیت سیاسی - اجتماعی خود پردازند.

بدیهی است بهره‌گیری از رویکردهای جرم‌شناختی در قالب سیاست‌های سختگیرانه‌ی کیفری ممکن است بدون تمایل سیاست‌گذاران برای پاسخ به افکار عمومی و بدون تعهد لازم به هیچ‌گونه ارزیابی مناسبی از ماهیت دقیق و صحیح دیدگاه‌های عمومی ظهور نماید. لذا بررسی تغییرات سیاست کیفری منبعت از مکتب جرم‌شناسی راست جدید که در برخی کشورها با پیروی از این نظریه به طراحی و تدوین نظام عدالت کیفری خویش پرداخته، به همراه واکاوی در چیستی و سابقه‌ی تاریخی مکتب راست نو و همچنین آثار و تبعات ناشی از برخورداری مجرم از انتخاب عقلانی،<sup>۲</sup> در جهت گیری‌های کلی دیدگاه‌های حاکم بر این جریان امری ضروری می‌نماید.

به همین منظور، ابتدا سعی می‌شود تا با بررسی نوشتگان موجود در زمینه‌ی

---

۱. نجفی ابرند آبادی، دکتر علی حسین و هاشم بیگی، حمید، دانشنامه جرم‌شناسی، چاپ سوم، انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۳، ص ۲۰.

2. New right criminology  
3. Rational choice.

۲۰۶.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال نهم، شماره سی و چهارم، زمستان ۱۳۹۵

مفهوم جرم‌شناسی راست جدید، ریشه‌ی تاریخی، پیدایش و علت اطلاق چنین عنوانی و اندیشه‌های مندرج در آن تجزیه و تحلیل شود، سپس در قسمت دیگر، به تفسیر دو مورد از مهم‌ترین طیف‌های فکری که ذیل این مکتب معرفی شده‌اند، پرداخته شود.

### الف) مفهوم جرم‌شناسی راست جدید

تعبیر راست جدید را بیش از آنکه به عنوان نظریه‌ای مستقل، نظام‌مند و منسجم بدانیم، باید نوعی جهت‌گیری خاص سیاسی دانست که صبغی جرم‌شناسی به خود گرفته است.<sup>۱</sup> دلیل این موضوع نیز آن است که با توجه به زوال رونق اقتصادی در کشورهای سرمایه‌داری که در سال‌های میانی دهه‌ی ۱۹۷۰ رقم خورد، دیدگاهی محافظه‌کار در قلمرو جرم‌شناسی شکل گرفت که دقیقاً در نقطه مقابل لیبرال منش‌هایی قرار داشت که به ویژه در آرا و نظرات تئوری فشار و دیدگاه‌های برچسب‌زنی دیده می‌شد. تغییر جهت سیاسی به سوی جناح راست در انگلستان به موازات تحولاتی مشابه در ایالات متحده صورت گرفت، متعاقب این امر و به دنبال رشد نرخ جرم، شیوه‌ای از توجه به مسایل اجتماعی را مد نظر قرار داد و راه را برای روشی متفاوت از اندیشیدن و سخن گفتن از جرم و مسأله جرم هموار کرد. شکل‌گیری این روش جدید در اندیشیدن، اساساً از طریق تمرکز دوباره بر دلایل ارتکاب جرم در دل فرایندهای فردی و نه اجتماعی بود.<sup>۲</sup>

بر این اساس، جرم به عنوان کنش، به صورت آگاهانه انتخاب می‌شود و

---

۱. وایت، راب و هینز، فیونا، جرم و جرم‌شناسی، ترجمه علی سلیمی، چاپ چهارم، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰. ص ۲۹۰.

۲. والک لیت، ساندر، شناخت جرم‌شناسی، ترجمه دکتر حمیدرضا ملک محمدی، چاپ اول، انتشارات میزان، ۱۳۸۶. ص ۶۵.

درآمدی بر جرم‌شناسی راست جدید و گرایش‌های آن.....۲۰۷

چون اشخاص در رابطه با عملکرد خود مسئول تلقی می‌شوند، مجرم نه تنها باید مجازات شود، بلکه باید خسارت وارده به فرد بزه‌دیده را نیز جبران نماید.<sup>۱</sup> جرم‌شناسی راست نو، آزادی اراده را یک واقعیت انکار ناپذیر می‌داند و اینگونه استدلال می‌کند که افراد فکر می‌کنند و تصمیم می‌گیرند و همین که فکر می‌کنند و تصمیم می‌گیرند، نشان دهنده‌ی این است که اراده‌ی وجود دارد، اگر چه تحت تأثیر عوامل متعددی است. این رویکرد که در تقابل اندیشه‌های نه‌چندان دور مکتب دفاع اجتماعی شکل گرفت، دیدگاه‌های اندیشمندانی چون فیلیپو گراماتیکا<sup>۲</sup> و مارک آنسل<sup>۳</sup> را که بر مبنای بهبود جامعه از طریق اجتماعی کردن بزهکاران و دنبال کردن اهداف درمانی و تربیتی بزهکاران توسط دولت طرح می‌شد، مطرود دانست و نگرش انسان‌گرایانه و اصلاح‌مدار را نسبت به مجرمین تحت الشعاع قرار داد و با هدف تضمین امنیت جانی، مالی و حیثیتی شهروندان، از یک سو و تأمین امنیت نهادهای عمومی آن از سوی دیگر، با اتکا به سیاست کیفری عوام‌گرایانه، در یک رویکرد ساده‌انگارانه به پدیده‌ی پیچیده‌ی بزهکاری و با اعتقاد به ناکارآمد بودن و حتی شکست سیاست‌های پیشگیرانه‌ی اجتماعی و بالینی (باز پرورانه) و کارنامه منفی نظام کیفری انسانی و جرم‌شناختی شده در نیمه‌ی دوم سده‌ی بیستم، مهار جرایم را تنها از گذر سختگیری کیفری، در معنای موسع آن، همراه با اعمال تدبیرهای پیشگیری از گونه وضعی - فنی آن ممکن می‌دانند.<sup>۴</sup>

در جرم‌شناسی راست نو، دغدغه‌های پیشین رهبران جهانی در باب رعایت

---

۱. نجفی توانا، دکتر علی، جرم‌شناسی، چاپ پانزدهم، انتشارات آموزش و سنجش، ۱۳۹۱، ص ۹۵.

2. Filippo Gramatica.

3. Marc Ancel

۴. لازرژ، کریستین، درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ چهارم، انتشارات میزان، ۱۳۹۲، ص ۴۳.

۲۰۸.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال نهم، شماره سی و چهارم، زمستان ۱۳۹۵

حقوق بشر، به سرعت جای خود را به اموری از جمله تأکید بر تروریسم و تجارت مواد مخدر و ضرورت مقابله با این پدیده‌ها «به هر شکل که لازم باشد» می‌دهد. در سطح داخلی نیز اندیشه‌ی «قانون و نظم»<sup>۱</sup> به پذیرش نوعی مضمون پیکار علیه جرم<sup>۲</sup> و حمله به بی‌نظمی‌های موجود<sup>۳</sup> در سطح جامعه می‌انجامد.<sup>۴</sup> به نظر نگارندگان آنچه که وجه ممیزه این مکتب با سایر تئوری‌های مطروحه در عرصه‌ی جرم‌شناسی است، تضعیف اندیشه‌های جرم‌شناختی تعامل‌گرا یا واکنش اجتماعی در گذشته‌ای نه چندان دور است که بر رویکرد جرم‌شناختی گذار از اندیشه به عمل تغلیب داشته است؛ این امر در برخی از کشورها همچون آمریکا، کانادا، استرالیا و برخی کشورهای اروپایی مثل انگلستان، سوئد و نیوزلند که امروزه با استقبال از مکتب راست جدید مواجه شده‌اند، با استدلال‌هایی از قبیل جسور شدن مجرمین، کاهش قدرت و هیبت حقوق کیفری و افزایش ترس ناشی از جرم موجب تحول در رویکرد متولیان نظام عدالت کیفری و بازگشت به دیدگاه‌های سزاگرا شده است.

البته نباید در این راستا جرم‌شناسی سخت‌گیرانه را با گفتمان موجود در رویکردهای جنبش راست نو که با انواعی از توسل‌های توده‌گرا<sup>۵</sup> و فراگیر به دامان توده‌ها پیوند دارد، تخلیط نمود؛ زیرا اعتقاد برخی جرم‌شناسان و حقوقدانان کیفری در زمینه‌ی شدت عمل کیفری، مبتنی بر مطالعات و دلایل علمی است که به هر حال در چهارچوب اعتقادهای علمی آنان قرار می‌گیرد، در حالیکه در عوام‌گرایی کیفری بیشتر ملاحظات سیاسی، حزبی، غیر کارشناسانه و برای رسیدن یا حفظ قدرت سیاسی - اجرایی صورت می‌پذیرد. بنابراین سخت‌گیری در اولی، مطالعه شده و هدف داراست ولی در دیگری

- 
1. Law and order.
  2. War on crime
  3. Attacking the signs of disorder.

۴. وایت، راب، هینز، فیونا، پیشین، ص ۲۹۴.

5. Populist appeals.

درآمدی بر جرم‌شناسی راست جدید و گرایش‌های آن.....۲۰۹

مقطعی است.<sup>۱</sup>

باید اذعان داشت که در این عرصه بسیاری از شعارها و کلیشه‌هایی که بیشتر مصارف انتخاباتی جهت پیروزی در رقابت‌های سیاسی را دارد، به چشم می‌خورد، به گونه‌ای که متولیان امر و اندیشمندانی که در خدمت هیأت حاکمه هستند، با ایجاد ترس از جرم در میان مردم و تخریب آمار جرایم، سعی در تحدید حدود اختیارات و آزادی‌های شهروندان جامعه و برخوردهای سهمگین با مجرمان را دارا هستند. البته تشدید و تعمیق کنترل کیفی سرکوبگر، خصوصاً در بازگشت به اندیشه‌ی سزاگرایی در کیفر بر اساس تحولات رشته‌ی بزه دیده‌شناسی نیز بوده است. لزوم توجه روز افزون به نیازهای بزه‌دیدگان، به ویژه زنان و کودکان در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی رقم خورده است.<sup>۲</sup>

بنابراین دهه‌ی ۱۹۸۰ میلادی، شاهد بازگشت به شیوه‌هایی از اندیشیدن به جرم بود که به رغم ارائه شدن به زبانهای مختلف، این اندیشه‌ی قدیمی را احیاء می‌کردند که ریشه‌های بی‌قانونی نه در ساخت اجتماعی، بلکه در درون افراد قرار دارد. البته این نوع نظریه پردازی، کاری تصادفی نبود، نظریه‌ی محافظه کاری، همانند دیگر نظریه‌های پیش از خود، توان و گستردگی‌اش را از بافت اجتماعی غالب گرفته بود. مؤید این امر حضور جیمز ویلسن، چهره‌ی بسیار با نفوذ جرم‌شناسی امریکا در سمت‌های رده بالای حکومتی است، که به

---

۱. نجفی ابرندآبادی، دکتر علی حسین، تقریرات درس سیاست جنایی، دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه آزاد تهران مرکزی، نیمسال اول سال تحصیلی ۹۱ - ۹۰.

۲. صفاری، دکتر علی، کیفر شناسی، چاپ چهارم، انتشارات جنگل، ۱۳۸۷، ص ۱۰۳.  
lilly, J.R., cullen, F. and Ball, R. (1995) criminological theory: context and consequences. Thousand oaks, CA: sage.p223.

۲۱۰.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال نهم، شماره سی و چهارم، زمستان ۱۳۹۵

عنوان یکی از نظریه‌پردازان مکتب راست نو به نظریه‌پردازی پرداخته است. در این راستا، اگر چه کتاب او با عنوان اندیشیدن به جرم، در سال ۱۹۷۵ تأثیری به سزا بر اندیشه‌ی سیاسی و سیاست‌گذاری نهاد، مع الوصف اثر مشترک او با ریچارد هرشتاین با عنوان جرم و سرشت آدمی در سال ۱۹۸۵ بحث نظری منسجم‌تری را از آنچه در نظر آنان، شناخت دلایل جرم است، مطرح می‌کند. ایشان حرکت یکنواخت نرخ جرم در دوره‌های طولانی را نتیجه‌ی وجود سه عنصر می‌دانند. نخست، تغییرات مربوط به ساختار سنی جمعیت می‌تواند به افزایش یا کاهش درصد افرادی - مردان جوان - که دارای سرشتی تهاجمی هستند و افق‌های کوتاه مدتی را پیش رو دارند، بینجامد. دوم، تغییر در فایده‌ی جرم و در هزینه‌ی جرم ممکن است به تغییر نرخ جرم به ویژه جرایم مالی منتهی شود. سوم، تغییرات گسترده‌ی اجتماعی و فرهنگی در میزان و شدت سرمایه‌گذاری جامع (از طریق خانواده، مدرسه، کلیسا و رسانه‌های جمعی) در زمینه‌ی تلقین یک تعهد درونی با هدف دستیابی به نوعی خود کنترلی، بر میزان تمایل افراد در معرض خطر، برای به تعویق انداختن رضایتمندی خود، منصفانه پنداشتن نتایج فعالیت‌های دیگران و تطابق با مقررات، تأثیرگذار خواهد بود.<sup>۱</sup>

بر این اساس و در تقابل با رویکردهای اثباتی سنتی و نوین که بزهدکار را محصور در فشارهای اجتماعی و روانی می‌دید، جرم‌شناسی راست جدید به این نکته پای فشرده که افراد در عمل دست به گزینش می‌زنند، پس باید بهای این گزینش را پردازند، زیرا اصولاً ماهیت رفتار مجرمانه‌ی ارتكابی ایشان، از نوع گزینش عقلانی<sup>۲</sup> و با برخورداری از اراده‌ی آزاد<sup>۳</sup> است. به عبارتی براساس

1. Wilson, J. Q. and Herrnstein, R. (1985) crime and Human nature, New yourk: simon and schuster.p437.

2. Rational choice.

3. Free volition.



نظریه‌ی حسابگری جزایی بنّام، منفعت حاصل از جرم و هزینه‌ی ارتکاب آن را سنجیده و در مورد ارتکاب یا عدم ارتکاب آن تصمیم می‌گیرد.<sup>۱</sup>

عناصر اصلی دیدگاه این مکتب، آمیزه‌ای از طرز فکری محافظه‌کار<sup>۲</sup> و مبتنی بر مضمون اخلاقی کردن<sup>۳</sup> در نقطه مقابل دیدگاه‌هایی است که به جای مجازات، بر راهبردهای درمان و اصلاح تأکید دارد، به تعبیر دیگر دیدگاه یاد شده در تضاد با آرا و نظریات دیدگاه‌های اثبات‌گرایی حوزه‌ی جرم‌شناسی است که نگرش یا الگویی جبرگرایانه را درباره علل جرم پذیرفته است. ایشان با این ادعا که قضازدایی، هشدارهای مکرر، تاخیر در اجرای مجازات و اجرای قوانین ناکارآمد، به خاطر تأکید بر پاسخ‌های رسمی حداقلی به جرم‌های نسبتاً رده پایین، منجر به ایجاد شکاف در اجرای عدالت شده است، تلاش کردند تا حتی نوجوانان نیز در برابر ارتکاب جرم، محاکمه پذیرتر و پاسخگوتر باشند.<sup>۴</sup>

در این میان هر چند مطالعات علمی انجام شده، دفاعیات عالمانه‌ای را از اندیشه‌ها یاد شده به دست می‌دهد، اما واقعیت آن است که در نگاه عمومی، این گونه رویکردهای سختگیرانه معمولاً با انواعی از توسل‌های توده‌گرا و فراگیر به دامان توده‌ها پیوند دارد. به بیان دیگر، ثابت شده است که این ترفند از چهره‌ای چاره‌ساز و جذّاب در عرصه‌ی انتخابات برخوردار است؛ حتی در صورتی که پیامدهای آن، موجب متروک ماندن اموری شود که باید آنها را برای جامعه مطلوب دانست. البته باید توجه داشت که توده‌گرایی،<sup>۵</sup> در معنای دقیق کلمه، نوعی ایدئولوژی سیاسی نیست؛ بلکه خلق و خو یا حالتی عاطفی است

---

۱. پاک نهاد، امیر، جرم‌شناسی و آزادی اراده، تازه‌های علوم جنایی، انتشارات میزان، چاپ نخست، بهار ۱۳۸۸، ص ۱۳۰.

2. Conservative.

3. Moralizing.

4. Squires, P. and Stephans, D. (2005). *Rougheustise*, Cullompton, UK: Will an Publishing. p76.

5. Get – tough approaches.

6. Populism.

۲۱۲.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال نهم، شماره سی و چهارم، زمستان ۱۳۹۵

که تعریف دقیقی درباره‌ی آن به دست داده نمی‌شود. توده‌گرایی با تکیه بر مفهوم «ما»<sup>۱</sup> به مردم متوسل می‌شود که در مقابل مفهوم «آنها»<sup>۲</sup> قرار دارد؛ بدین شکل که مصداق‌های «ما» را همواره شریف قلمداد می‌کند و مصداق‌های «آنها» را هر که می‌خواهد باشد، موجوداتی می‌انگارد که برای پیکره‌ی اجتماع،<sup>۳</sup> نقشی انگلی و ویرانگر دارند.<sup>۴</sup>

بدیهی است در همه‌ی جوامعی که مقوله‌ای به شکل پاک نگریسته می‌شود، نه تنها مفهوم نظم و حقانیت به ذهن متبادر می‌شود، بلکه توجه افراد به تهدیدی که موجب آلاینده‌ی آن پاکی می‌گردد نیز جلب می‌شود. لذا بر این اساس در راستای نظم‌دهی به محیط اجتماعی و صیانت از آن، اندیشه‌هایی پیرامون جدایی، پالایش، تعیین حدود و تادیب تخلفات مطرح می‌شود.<sup>۵</sup>

در واقع جرم‌شناسی راست جدید نیز با ارائه خطرناکی پدیده‌ی مجرمانه و گسترش دامنه آن به تشدید ترس از جرم دامن می‌زند،<sup>۶</sup> که این امر با نگرش مشترک با مکتب نئوکلاسیک جدید از حیث شکست نظریه اصلاح و درمان موجب نهادینه شدن اندیشه‌های جرم‌شناختی بر اساس کنترل بیشتر و تنبیه‌گرایی یا سزاگرایی شده است.<sup>۷</sup>

این در حالی است که ارزیابی‌های عمومی از گرایش به جرایم خاص، خیلی دقیق و صحیح نیستند. پژوهش‌های انجام گرفته در کانادا و استرالیا نشان داده‌اند که ۷۰ درصد از استرالیایی‌ها و ۸۰ درصد از کانادایی‌ها اعتقاد دارند که

1. US.
2. Them
3. Social body.

۴. وایت، راب ف فیونا ف هینز، پیشین، ص ۲۹۵.

5. Douglas, Mary. (1996). Purity and danger, London, Routledge and Kegan Paul, p4

6. Fear of crime.

۷. صفاری، علی، پیشین، ص ۱۰۴.

درآمدی بر جرم‌شناسی راست جدید و گرایش‌های آن..... ۲۱۳

نرخ ارتکاب قتل عمد افزایش یافته، در حالی که در حقیقت، این نرخ به طور بارزی در کانادا کاهش یافته و در استرالیا ثابت باقی مانده بود، زمانی که از مردم سوال می‌شود که جرایم در حال افزایش را نام ببرند، بیشتر تمایل دارند، از جرایم خیلی شدید یا جرایمی که در اخبار زیاد ذکر می‌شوند، بدون توجه به این که آیا واقعا این جرایم به طور مداوم افزایش یافته یا خیر، نام ببرند.<sup>۱</sup> با این حال مجریان جرم‌شناسی راست جدید بدون در نظر گرفتن برخی از واقعیات پیرامونی و جنبه‌های عینی و عملی آن، نوعی احساس نیاز به لحاظ نمودن تدابیر ذیل را مطرح ساخته‌اند.

- افزایش کارکنان، اختیارات و همچنین منابع و امکانات نیروی پلیس

- افزایش محکومیت‌های طویل‌المدت حبس

- تدارک زندانهای بیشتر

- اعمال جدی‌تر نظم و انضباط در محیط خانواده و مدرسه

- بازگشتی فراگیر به سوی ارزش‌هایی که بیشتر جنبه سنتی دارند.

وانگهی، در خصوص جوانان، این نیاز احساس می‌شد که باید آنان را از «مسئولیت بیشتری» برخوردار دانست. این تلقی نیز در جای خود، به شکل‌گیری رهیافت‌هایی در حوزه‌ی تشکیلات قضایی جوانان و نوجوانان انجامید که بیشتر جنبه‌ای مجازات‌گرا داشت؛ بدین ترتیب دیدگاه جرم‌شناسی راست جدید، خود را دارای دو ویژگی عمده‌ی زیر می‌نمایاند:

- نخست، پرداختن به فرد در درون جامعه به عنوان مسأله اصلی و ملحوظ

داشتن این مهم که شرایط محیطی و اجتماعی به عنوان موارد ثانوی مطمح نظر

---

۱. رابرتز، جولیان وی و همکاران، عوام‌گرایی کیفری و افکار عمومی، ترجمه زینب باقری نژاد و همکاران، زیر نظر دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، انتشارات میزان، ۱۳۹۲، ص ۴۹.

۲۱۴.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال نهم، شماره سی و چهارم، زمستان ۱۳۹۵

قرار گیرد و مطالعات مربوطه همچنان با محوریت شخص دنبال شود.  
- دوم، ارائه‌ی نوعی رویکرد اخلاقی و مجازات‌گرا در باب دو موضوع جرم و بزهکاری.<sup>۱</sup>

### ب) گرایش‌های مهم جرم‌شناسی راست جدید

دیدگاه جرم‌شناسی راست جدید، جریان‌های فکری متعددی را در درون خود جای داده است. برخی از این جریان‌ها با آرا و نظراتی سروکار می‌یابد که ناظر به چستی عمل انسان است و بیشتر رنگ و بویی فلسفی دارد. برخی دیگر، با حوزه‌های عملی خاصی ارتباط دارد و از جمله‌ی آنها می‌توان به ملاحظات تلافی‌گرایان<sup>۲</sup> درباره‌ی فرایند تعیین مجازات اشاره کرد، مع الوصف اساسی‌ترین دیدگاه‌های این مکتب در دو اندیشه‌ی اختیارگرای جناح راست<sup>۳</sup> و سنت‌گرای محافظه کار<sup>۴</sup> تجلی یافته است.

#### ۱- دیدگاه اختیارگرای جناح راست

این رویکرد، انسانها را موجوداتی عقلانی و برخوردار از اختیار می‌داند و در همان حال، بر نوعی فلسفه‌ی اخلاق مبتنی بر خودبینی (خودخواهی)<sup>۵</sup> تکیه دارد. نگرشی که از یک سو، انسان را دارای طبیعتی انحصارطلب<sup>۶</sup> و فردگرا<sup>۷</sup> به حساب آورده و از سوی دیگر، جرم را بر حسب تجاوز به دارایی‌های شخصی تعریف می‌کند. مفهومی که در عین حال تجاوز به موجودیت جسمی فرد<sup>۸</sup> را نیز

---

1. Young, J. (1994) Incessant chatter recent Paradigms in criminology, in M. Maguire, R. Morgan and R. Reiner (eds) the oxford Handbook of criminology. Oxford: oxford university press. p102.

2. Retributive.

3. Right- wing libertarianism.

4. Conservative traditional.

5. Egoism.

6. Possessive.

7. Individualistic.

8. Physical self.

درآمدی بر جرم‌شناسی راست جدید و گرایش‌های آن..... ۲۱۵

در بر می‌گیرد. اختیارگرایی جناح راست، علت جرم را پدیده‌ای به حساب می‌آورد که در درون فرد نهفته است. در این خصوص خاطر نشان می‌کنند که نظریه پردازی‌هایی که در گذشته‌ی نزدیک در حوزه‌ی جرم‌شناسی انجام گرفته، مسئولیت فرد را در ازای کنش‌های خود ناچیز شمرده و بدین وسیله، توجیه‌هایی را برای اعمال او فراهم آورده است.

برای مثال این محققان مدعی‌اند سخن گفتن از گونه‌های متفاوت سائق‌های زیستی یا انواع تعیین‌کننده‌های اجتماعی مانند فقر، به معنای نادیده انگاشتن هر نوع مفهوم‌گزینش در فرایند برگزیدن رفتار و عملی خاص از سوی فرد است. بدین ترتیب، این دیدگاه بر آن است که افراد را باید کاملاً در برابر کنش‌های خود مسئول دانست؛ بدین سبب که ماهیت جرم را اصولاً از نوع‌گزینش عقلانی می‌دانند و در عین حال، این مفهوم را شامل گونه‌های متفاوت محرک‌های برانگیزاننده و بازدارنده<sup>۱</sup> نیز محسوب می‌دارند.<sup>۲</sup>

امروزه نظریه‌های انتخاب عقلانی با عاریت گرفتن بحث‌هایی از رهیافت اقتصادی، زمانی که از تصمیم مجرم در ارتکاب جرم سخن می‌گویند، در قالب واژه‌هایی مانند فرصت‌ها، هزینه‌ها، سودها و فایده‌ها سخن می‌گویند؛ در این راستا اساس باور آنها بر این است که عقلانیت بزهکاری، حالتی لذت‌جویانه است و برخی عوامل زمینه‌ای به چنین نتیجه‌ای منجر می‌شود؛ مع الوصف عقلانیت فرایند تصمیم‌گیری است که فرصت‌ها را برای رفع نیازها، هزینه‌های بالقوه‌ی عمل و سودهای پیش‌بینی شده، تعیین می‌نماید.<sup>۳</sup>

بدیهی است تا کنون دولت‌ها تمایل چندانی به پذیرش هزینه‌های جرم و ارزیابی آن از خود نشان نداده‌اند، زیرا بیشتر متولیان امر سیاست جنایی هنوز

---

#### 1. Incentives and disincentives.

۲. وایت، راب و هینز، فیونا، پیشین، ص ۳۰۲.

۳. ویلیامز، فرانک و مک‌شین، ماری لین دی، نظریه‌های جرم‌شناسی، ترجمه دکتر حمیدرضا ملک محمدی، چاپ سوم، انتشارات میزان، ۱۳۸۸. ص ۲۴۲.

۲۱۶.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال نهم، شماره سی و چهارم، زمستان ۱۳۹۵

جایگاهی برای ارزیابی هزینه‌های جرایم قائل نیستند، به همین دلیل در قانون‌گذاری کیفری کشورها نمود ندارد.<sup>۱</sup>

باید اذعان داشت که یکی از دیگر ممیزه‌های اختیارگرایان جناح راست، تأکید بر این است که باید از جرم‌های بدون بزه دیده جرم زدایی کرد، البته مادام که افرادی غیر از خود مجرم را مستقیماً تحت تأثیر قرار نداده باشد؛ به تعبیر دیگر این دیدگاه مدعی است که اگر دارایی یا موجودیت جسمانی دیگران به شکلی غیر قانونی مورد تعرض قرار نگرفته باشد، هر چیزی پذیرفتنی است؛ یعنی افراد کاملاً آزادند تا هر چه می‌خواهند انجام دهند؛ از طرف دیگر، در خصوص نوع واکنش پیشنهادی در برابر جرم نیز دیدگاه اختیارگرایی جناح راست، معمولاً ترویج عناصر تلافی، بازدارندگی، توان‌گیری از مجرم<sup>۲</sup> و مجازات را ترجیح داده است که بر ضرورت متناسب بودن جرم و مجازات و به اجرا در آوردن ابزارهای استرداد<sup>۳</sup> در جهت پرداخت غرامت<sup>۴</sup> به بزه دیده نیز نظر داشته و در راستای حمایت از اندیشه‌ی خصوصی سازی نهادهای امنیت، اجرای قانون و زندان تأکید می‌کنند. البته در این شیوه دولت بنا ندارد شبکه‌های خصوصی را جایگزین شبکه کیفری کند، بلکه همزیستی دو گونه شبکه، یعنی خصوصی سازی نسبی و حتی گاه ترغیب مستقیم به آن را در قالب

---

۱. بابایی، دکتر محمد علی و انصاری، سید اسماعیل، تحلیل هزینه‌های جرم، نامه مفید شماره ۹۴، زمستان ۱۳۹۱. ص ۹۴.

## 2. Decriminalisation of victimless crimes.

۳. Incapacitation فرایندی که درونمایه آن عبارت است از به کارگیری موانع قانونی برای جلوگیری از بهره‌مند شدن مجرمان از مزایا و حقوقی که دیگر شهروندان به طور طبیعی از آن برخوردارند و همچنین به کارگیری آن حقوق؛ حقوقی که از جمله‌ی آنها می‌توان به حق رأی، حق انتخاب شدن، حق عقد قرارداد، حق شکایت و اقامه‌ی دعوا و مانند آن اشاره کرد. ر.ک: Black's law Dictionary "civil death"

## 4. Restitutive measures.

## 5. Compensation.

سهیم کردن بانک‌ها یا شرکت‌های بیمه در سیاست جنایی برمی‌تابد.<sup>۱</sup> تدابیر مورد بحث و جلوه‌های بیرونی آنها ممکن است از لحاظ زمان و مکان، طرح و حدود یا محل اعمال، گسست‌هایی ظاهری با یکدیگر داشته باشند و حتی در برخی موارد اشخاص موضوع آنها با یکدیگر متفاوت باشند، اما در هر حال خصیصه‌ی تشدید کنترل و تنگ‌تر شدن حلقه‌ی محاصره‌ی سرکوبگر یا کیفری در همه یا اغلب آنها وجود دارد. بدین ترتیب نوآوری‌هایی همچون خصوصی‌سازی در نظام عدالت جنایی<sup>۲</sup> و راه‌اندازی زندان‌های خصوصی و خصوصی‌سازی زندان‌ها<sup>۳</sup> در راستای محدود کردن مداخله دولت که در جهت تحکیم آن، ضمن فرار از مسئولیت پاسخگویی به کاستی‌ها و شکست‌های آن است؛ قابل تحلیل می‌باشد. تشدید و تعمیق کنترل کیفری و سرکوبگر، خصوصاً در بازگشت به اندیشه‌ی سزاگرایی در کیفر، دلایل متعددی را به خود اختصاص داده بود که پیش‌تر اشاره شد؛ در ادامه به تبیین رویکرد دیگر جرم‌شناسی راست جدید و خصایص این دیدگاه اشاره خواهد شد.

## ۲- دیدگاه سنت‌گرای محافظه‌کار

دیدگاه سنت‌گرای محافظه‌کار،<sup>۴</sup> نگرشی فراگیرتر از دیدگاه اختیارگرایی جناح راست را درباره ماهیت جرم پذیرفته است؛ به عبارت دیگر این نوع رویکرد محافظه‌کارانه درباره‌ی جرم، صرفاً اعمالی را شامل نمی‌شود که دارای یا جسم یک فرد را با خطر مواجه سازد؛ بلکه افزون بر آن، در برگیرنده‌ی اعمالی است که می‌توان آن را زیر پا نهادن اصول اخلاقی نامید. بر این اساس حمله به

---

۱. می‌ری- دلماس، مارتی، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دوم، انتشارات میزان، ۱۳۹۳، ص ۶۸.

2. Privatisation of criminal justice system.  
3. Private prisons / privatisation of prisons.  
4. Traditional list conservative.

ارزش‌های سنتی و همچنین نقض حرمتی کلی را که مردم برای اولیای امور قائلند، از جمله اعمالی به حساب آورده می‌شود که می‌توان آنها را مجرمانه دانست. همچنین ایشان قائل به پیوند جنبه‌های سرشتی با گزینش آزادانه‌ی افراد نیز هستند. این دیدگاه به ویژه بر آن است که افراد از گونه‌هایی خاص، از «کشش‌های طبیعی» برخوردارند که این کشش‌ها در تضاد با آن دسته از غایت‌های جامعه‌ی انسانی است که بیشتر جنبه‌ی متعالی و مبتنی بر مدنیت دارد. سنت‌گرایان محافظه‌کار، محدود ساختن این نوع کشش‌های طبیعی را مستلزم وجود نظامی مستحکم می‌دانند که متکی بر سه عنصر از خودگذشتگی فردی، خود انضباطی و فرمانبرداری از مراجع اقتدار است و بر این ابتننا نظم را بر همه چیز، حتی عدالت مقدم دانسته و با ملحوظ داشتن مجازات به عنوان بخشی اساسی از راهبرد بازدارندگی، معنای آن را به رسمیت شناختن مسئولیت شخص در ازای کنش‌های او می‌دانند و به نظر آنان این تدبیر، تأثیری نمادین<sup>۲</sup> و مهم بر کلیت جامعه دارد که دارای ارتباطی عمیق با اخلاق و همبستگی اجتماعی است؛ به نحوی که وجود پیوندهای مستحکم ناشی از همبستگی اخلاقی، فراهم آورنده‌ی همان شرایطی است که سبب می‌شود گونه‌های متفاوت مجازات در چهره‌ای کنترل‌ناپذیر، جلوه‌گر شود و مجازات‌ها هم در جای خود، به تقویت دوباره و همچنین استحکام یافتن همین نوع پیوندهای اجتماعی بیانجامد.<sup>۳</sup>

در این رابطه نظریه‌ی رابطه (علقه - پیوند) اجتماعی<sup>۴</sup> که توسط تراویس هیرشی<sup>۵</sup> در کتاب وی تحت عنوان علل بزهکاری<sup>۶</sup> مطرح شد، این بود که

1. Natural urges.
2. Symbolic impact.
3. Garland. D. (1990). Punishment and Modern society: A study in social Theory. Oxford: clarendon Press.p28.
4. Social bonding theory.
5. Travis Hirschi.
6. Causes of delinquency.



درآمدی بر جرم شناسی راست جدید و گرایش‌های آن.....۲۱۹

انسان‌ها ذاتاً منحرف و در راستای ناهم‌نوایی و پشت کردن به هنجارها هستند. وی به دنبال بیان انگیزه‌هایی است که افراد را به سمت قبول و پذیرش رفتار بهنجار سوق دهد. او معتقد است که علقه‌ها یا پیوندهای اجتماعی متعارف مثل والدین، زناشویی، دوستی، همکار بودن و... نقش کنترل‌کننده‌ی عمده‌ای را در عدم ارتکاب جرم ایفا می‌کنند و هر قدر که این روابط و دلبستگی‌های فرد ضعیف باشد، استعداد او برای ارتکاب جرم بیشتر است. این نظریه چهار رکن دارد که همراه هم عمل می‌کنند.

### الف - وابستگی<sup>۱</sup>

این رکن با میزان گرایش فرد به تشبیه خود به اشخاص مرجع در جامعه مرتبط است؛ مثل پدر و مادر، دوستان و استاد؛ این حلقه‌ی وابستگی به افراد مدل، با قضاوتی که مدل‌ها نسبت به فرد دارند تکمیل می‌شود، بنابراین فرد نسبت به طرز فکر و برداشت والدین و دوستان حساس است. هر قدر قضاوت آنها نسبت به وی مثبت باشد، رکن وابستگی بیشتر و قوی‌تر می‌شود، اما هر قدر احساس وابستگی کمتر شود و فرد نسبت به قضاوت مدل و الگو در مورد خود بی‌تفاوت شود، میزان پشت کردن به هنجارها بیشتر می‌شود.

### ب - تعهد<sup>۲</sup>

منظور احساس پایبندی به تعهدات قبلی است. زمانی که فرد نسبت به تعهدات خود دغدغه دارد و هزینه‌های آن را می‌پردازد، کمتر مرتکب جرم می‌شود. در اینجا اطفال به دلیل تمایل به حفظ هویت اجتماعی مثبت خود سعی می‌کنند، تعهدات خود را نسبت به جامعه و گروه انجام دهند.

---

1. Attachment.  
2. Commitment.

### ج - درگیر بودن<sup>۱</sup>

به معنی سرگرم بودن و دل مشغولی داشتن نسبت به یک امر اجتماعی است؛ به عبارت دیگر وقتی نوجوانان جذب فعالیت‌های اجتماعی و متعارف باشند، فرصت ارتکاب جرم کاهش می‌یابد.

### د- باور و اعتقاد<sup>۲</sup> به مشروعیت هنجارهای مشترک

بین احترام به قواعد و اعتباری که ما برای آن قواعد قائل هستیم، ارتباط تنگاتنگی وجود دارد، بنابراین اگر تابعان قانون، انتظارات و خواست‌های خود را در قوانین متبلور ببینند، احترام بیشتری به آن می‌گذارند.<sup>۳</sup> آنچه که از نظریه‌ی مذکور استنباط می‌شود، این است که اگر افراد جامعه به شکلی مطلوب و مناسب، جامعه‌پذیر نشوند، رفتارهای مجرمانه به پدیده‌ای فراگیر تبدیل خواهد شد؛ در این راستا دیدگاه سنت‌گرای محافظه‌کار همواره تأکید بر هم‌نوایی با سنت‌ها و نقش‌های متداول اجتماعی با توسعه‌ی قوانین مرتبط با مسایل اخلاقی بوده است.

### ۳- جهت‌گیری‌های جرم‌شناسی راست جدید در حوزه‌ی

#### مجازات و حفظ نظم

با امعان نظر به این مهم که مکتب جرم‌شناسی راست جدید متضمن این دیدگاه‌هاست که افراد، حسابگر و عاقلانه مرتکب جرم می‌شوند و همه‌ی آنها از آزادی اراده برخوردار بوده که بر مبنای لذت جویی به عرصه‌ی بزهکاری

---

1. Involvement.

2. Belief.

۳. نجفی ابرندآبادی، دکتر علی حسین، تقریرات درس «جامعه‌شناسی جنایی»، دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهیدبهبشتی، نیمسال دوم سال تحصیلی ۸۴ - ۸۳، ص ۲۰۸۶.

درآمدی بر جرم‌شناسی راست جدید و گرایش‌های آن..... ۲۲۱

پای می‌نهند، مجازات می‌بایست نسبت به عمل مجرم بوده و ویژگی‌های جسمی و جامعه‌وی مجرم آن چنان مطمح نظر نیست. این رویکرد در تقابل با تئوری‌های فشار و برچسب زنی مطرح گردیده است. از نقطه نظر کنترل جرم و نظم عمومی نیز دیدگاه این مکتب، عبارت است از: ایجاد محدودیت و همچنین اعمال کنترل‌های جدی‌تر در خصوص جمعیت‌هایی که به نظر می‌رسد، جرم‌زا باشند، جمعیت‌هایی که از جمله‌ی آنها می‌توان طبقات خطرناک<sup>۴</sup> را مثال زد. به تعبیر دقیق‌تر، دیدگاه یاد شده تحقق عملی سیاست‌های نظام جزایی را امری مبتنی بر کنترل و اراده‌ی آن دسته از گروه‌های موجود در جامعه می‌داند که از شباهت بیشتری با طبقات فرودست<sup>۳</sup> برخوردار بوده و واجد دو ویژگی خطرآفرینی<sup>۵</sup> و خطرناکی<sup>۶</sup> می‌باشند.

در نگاه جرم‌شناسان راست جدید، مداخله‌ی یاد شده با گونه‌هایی متنوع از اقدام‌های پیش‌دستی‌گرانه<sup>۶</sup> و راهبردهای صلاحیت‌زدایی همراه است. از جمله‌ی این شیوه‌ها می‌توان به سیاست «نفی‌مدارا»<sup>۷</sup> در فرایند حفظ نظم و سیاست

---

1. Criminogenic.

2. Dangerous classes.

۳. Underclass explanations برخی نویسندگان درون‌نمایه‌ی این تبیین‌ها را برگرفته از ایده‌های مکتب شیکاگو در دهه‌ی ۱۹۲۰ و به ویژه نظریه‌ی شاو و مک کی دانسته‌اند، به گفته آنان قانون توجیه این تبیین‌ها، مناطق شهری برخوردار از میزان بالای جرم است و با پرداختن به این نوع مناطق جرم خیز - که در آنها، کنترل خانوادگی و اجتماعی ضعیف است - سبب شده است که توجه تحقیقات جرم‌شناسی به مضمون «فقدان کنترل اجتماعی» معطوف گردد. مضمونی که در این تبیین‌ها، خود معلول حضور نداشتن عوامل اقتدار و الگوها به حساب می‌آید. ر.ک. Hudson, B.A. (1997). Social control. P. 454.

4. Risk

5. Dangerousness.

6. Pre - emptive action.

۷. Zero tolerance؛ این اصطلاح به سیاستی خاص در قلمرو حفظ نظم اشاره دارد که هر نوع تجاوز و حریم‌شکنی (violation) راهر قدر هم جزئی باشد، موضوع اقدام پلیس می‌داند، ایده‌ی حاکم بر این سیاست، آن است که بذل توجه حتی به تخلف‌های جزئی از قانون، کاهش جدی

جرم‌های خطرناک را در پی دارد. ر.ک. Dictionary of sociology

۲۲۲.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال نهم، شماره سی و چهارم، زمستان ۱۳۹۵

«حبس ابد در برخورد سوم»<sup>۱</sup> در حوزه‌ی مجازات اشاره کرد. با این وجود فقط دولت‌ها نیستند که از هراس اخلاقی مردم بهره برداری نموده و واکنش‌های تنبیهی شدید ایجاد می‌کنند، بلکه دموکراسی در حال تغییر است، انتقال اولویت‌های مردم به درون قلب دولت و افزایش توجه بیشتر، چیزی است که سیاستمداران و متولیان نظام عدالت کیفری متاثر از جرم‌شناسی راست جدید باید به آن عادت کنند.<sup>۲</sup> در این خصوص، آنان بر مضمون حمله به «نشانه‌های بی‌نظمی»<sup>۳</sup> تأکید دارند و خاطر نشان می‌کنند که این مضمون با توسل به دو تدبیر راهبردهای مقابله جویانه‌ی<sup>۴</sup> حفظ نظم (یعنی راهبردهایی که در آن، مراجع اقتدار، مدارا با هیچ نوع رفتار، فعالیت و یا گروهی را که ضد اجتماعی به نظر می‌آید، نمی‌پذیرند)؛ و محبوس ساختن افرادی که هنجارهای اخلاقی و جزایی جامعه را زیر پا می‌گذارند، جامه‌ی عمل به خود می‌پوشد.<sup>۵</sup>

این امر در حالی بود که پیرامون راهبرد نظم و قانون، توافق موثری وجود داشت که جناح راست میانه رو خاطر نشان کرده بود که جرم یک مشکل واقعی است و باید با ضمانت‌های اجرایی شدید با آن برخورد شود.<sup>۶</sup> در حقیقت با توجه به رویکردهای مشترک جرم‌شناسی راست نو با مکتب نئوکلاسیک نوین در اندیشه‌ی سزادهی، مجازات‌های استحقاقی<sup>۷</sup> با کاهش کیفیات مخففه و توسل به نظام محکومیت‌های معین<sup>۸</sup> و مجازات‌های اجباری<sup>۹</sup> و گرایش به اتخاذ

1. Three strikes and you're out.
2. Ryan, M., (2003) Penal policy and political cultural in England and Walse , Winchester: Waterside Press.p135.
3. Attacking the signs of disorder.
4. Confrontational.
5. وایت، راب و هینز، فیونا، پیشین، ص ۳۱۵.
6. پرت، جان، عوام‌گرایی کیفری، بسترها، عوامل و آثار، ترجمه هنیه هژبرالساداتی، چاپ اول، انتشارات میزان، ۱۳۹۲، ص ۴۸.
7. Just deserts.
8. Determinate sentences.
9. Mandatory Punishments.

درآمدی بر جرم‌شناسی راست جدید و گرایش‌های آن..... ۲۲۳

سیاست‌های شدیدتر، به ویژه نسبت به مرتکبان تکرار جرم در انگلستان، کانادا، استرالیا، سوئد و بخصوص در بسیاری از ایالات امریکا و قوانین کیفری فدرالی آن کشور مورد استقبال قرارگرفت و بر وجهی تنبیهی و جزایی نظام عدالت کیفری شدت بخشید.<sup>۱</sup> ظهور رویکرد عدالت استحقاقی نیز پایانی برای اصلاح درمان و تسامح خیالی با افراد منحرف در جامعه بود که در واقع این دیدگاه برای متناسب کردن مجازات با جرم تلاش می‌کند نه مجرم، که این مهم نیز از موارد تایید شده در جرم‌شناسی راست جدید است.<sup>۲</sup>

در این راستا به واسطه‌ی مقایسه‌ی مقارنه‌ای و اجمالی نظام عدالت کیفری جمهوری اسلامی ایران از حیث تاثیرپذیری هدفمند یا غیر پیش‌بینی شده از مکتب جرم‌شناسی راست نو، نمی‌توان رسوب و رسوخ دیدگاه‌های مشابه را در سیستم قضایی کشورمان انکار کرد؛ بر این اساس استحاله‌ی برخی قوانین کیفری پس از انقلاب اسلامی در رویکردهای سزاگرا، علی‌الخصوص تشدید مجازات‌ها و کاهش کیفیات مخففه در قوانین مربوط به جرایم مواد مخدر، تعیین برخی مجازات‌های ثابت و گاهی تسریع در دادرسی جنایات، به جهت اعاده امنیت روانی جامعه که جنبه و جلوه‌ی عملی به خود گرفته است، مواردی از این قبیل می‌باشد که مبین نگاهی سرگردان و غیرعلمی نسبت به مبحث برخورد با بزهکاران بوده که موجب نوعی تعارض و انسداد در سیاست جنایی ایران شده است. لهذا بدیهی است که ناکامی دیدگاه‌های اصلاح‌گرا در

---

۱. غلامی، حسین و علی حسین نجفی ابرندآبادی، نظریه مجازات‌های استحقاقی و تکرار جرم، مجله مدرس، دوره سوم، ش ۴، ۱۳۷۸. ص ۹۷.

2. Zimiring, F. and Johnson, D. (2006), Public Opinion and Governance of Punishment: Democratic Political System in S. Karstedt and G. LaFree (eds) Democracy, Crime and Justice, Annals of the American Academy of Political and Science, p49.

۳. نجفی توانا، دکتر علی، تعارض و انسداد در سیاست جنایی ایران، فصل‌نامه تحقیقات حقوقی آزاد، پیش شماره اول، تابستان ۱۳۸۶. ص ۲۶۸.

۲۲۴.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال نهم، شماره سی و چهارم، زمستان ۱۳۹۵

بازسازی مجرمین و پیشگیری از جرایم در سایر کشورهای غربی، موجب تسری و تعمیم نسبی این مهم شده است که نگاه سرکوبگرانه و سختگیرانه می‌بایست جایگزین دیدگاه بازپرورانه و اصلاح‌گرایانه شود.

### نتیجه‌گیری

مکتب جرم‌شناسی راست جدید که در اواخر قرن بیستم با ساختاری نسبتاً سیاسی نضج یافت، امروزه در بسیاری از کشورهای دنیا همچون آمریکا، کانادا، انگلستان و استرالیا به عنوان مدلی کارآمد در نظام عدالت کیفری آنها تبلور یافته است. بدیهی است عدم موفقیت نظام کیفری انسانی و جرم‌شناختی شده با اعتقاد به ناکارآمدی سیاست‌های پیشگیرانه، موجب رسوخ این اندیشه در افکار واضعین و متولیان این نحله شد که لزوم استفاده از کیفرهای شدیدتر و سختگیری کیفری در مهار جرایم، بیش از پیش ضرورت یافته است؛ این مکتب که با مفروض دانستن آزادی اراده در ارتکاب عمل، حول محور مسئولیت فردی تأکید دارد، به نوعی موجب احیای نظریه‌های مکتب کلاسیک در قالب نئوکلاسیک نوین گردیده است. با این ایده سایر تئوری‌های مطروحه در عرصه جرم‌شناسی که جرم را معلول نیروهای خارج از حیطه کنترل (زیستی، روانی، جامعه‌ی) افراد می‌دانستند و قائل به آزادی اراده‌ی تام در ارتکاب عمل مجرمانه نبودند، به محاق رفت. این تحولات مبتنی بر تشدید کنترل و کیفرگرایی با تغییر شیوه‌ها از سنتی به جدید، بر عمق و گستره کنترل کیفری و سرکوبگری هر یک از بزهکاران افزوده است؛ بر این اساس اگرچه حقوق بزه‌دیدگان اهمیتی در خور توجه یافته و تا حدودی از هزینه‌های هنگفت وارد بر نظام عدالت کیفری با دیدگاه عقل‌گرایی اقتصادی کاسته شده است؛ مع الوصف باید اذعان داشت که راه حل خروج از بحران بزهکاری، قطعاً به سادگی میسر نیست و بدون لحاظ نمودن نقش عوامل اجتماعی، روانی،

درآمدی بر جرم‌شناسی راست جدید و گرایش‌های آن..... ۲۲۵

تربیتی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، و رابطه‌ی مهم آن با مسئله‌ی بزهکاری، نمی‌توان به برون رفت از چالش‌های موجود نظام عدالت کیفری در سراسر دنیا امیدوار بود؛ به عبارت دیگر تلفیق دیدگاه‌های سیاسی و بعضاً عوام‌گرایانه‌ی مکتب راست جدید، موجب عدم ژرف‌اندیشی در حوزه‌ی کنترل جرم شده است. لهذا اگر چه این رویکرد در مقطعی از زمان می‌تواند به صورت راهگشا جلوه کند، اما واضح و مبرهن است که فقدان پیش شرط‌های لازم سزادهی و عدم ملحوظ نمودن دستاوردهای مبرز علم جرم‌شناسی، موجب ناکارآمدی این مکتب و تبدیل آن به ابزار سرکوب خواهد شد، زیرا تأملی در تاریخ‌اندیشه‌های کیفری و جرم‌شناسی مؤید این است که کارآمدی و اثر بخشی نظریه‌ها، نقش موثری در استمرار یا اضمحلال آنها ایفا می‌کند، بر این اساس افزایش جمعیت کیفری، عدم کاهش معتنابه آمار جرایم ارتكابی، رشد بعضی جرایم و خشن شدن مجرمان و جامعه، تحدید و تهدید حقوق و آزادی‌های فردی، ظهور در عدم کارآمدی نظام عدالت کیفری کشورهای است که از دستاوردهای مکتب راست جدید متابعت می‌کنند.

## فهرست منابع

### منابع فارسی:

۱. بابایی، دکتر محمد علی و انصاری، سید اسماعیل، تحلیل هزینه‌های جرم، نامه مفید شماره ۹۴، زمستان ۱۳۹۱.
۲. پاک‌نهاد، امیر، جرم‌شناسی و آزادی اراده، تازه‌های علوم جنایی، انتشارات میزان، چاپ نخست، بهار ۱۳۸۸.
۳. پرت، جان، عوام‌گرایی کیفری، بسترها، عوامل و آثار، ترجمه هنیه هژبرالساداتی، چاپ اول، انتشارات میزان، ۱۳۹۲.
۴. رابرتز، جولیان وی و همکاران، عوام‌گرایی کیفری و افکار عمومی، ترجمه زینب باقری نژاد و همکاران، زیر نظر دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، انتشارات میزان، ۱۳۹۲.
۵. صفاری، دکتر علی، کیفرشناسی، چاپ چهارم، انتشارات جنگل، ۱۳۸۷.
۶. غلامی، حسین و علی حسین نجفی ابرندآبادی، نظریه مجازات‌های استحقاقی و تکرار جرم، مجله مدرس، دوره سوم، ش ۴، ۱۳۷۸.
۷. لازرژ، کریستین، درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ چهارم، انتشارات میزان، ۱۳۹۲.
۸. می‌ری - دلماس، مارتی، نظامهای بزرگ سیاست جنایی، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دوم، انتشارات میزان، ۱۳۹۳.
۹. نجفی ابرندآبادی، دکتر علی حسین و هاشم بیگی، حمید، دانشنامه جرم‌شناسی، چاپ سوم، انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۳.
۱۰. نجفی ابرندآبادی، دکتر علی حسین، تقریرات درس «جامعه‌شناسی جنایی»، دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، نیمسال دوم سال تحصیلی ۸۴ - ۸۳.



درآمدی بر جرم‌شناسی راست جدید و گرایش‌های آن..... ۲۲۷

۱۱. نجفی ابرندآبادی، دکتر علی حسین، تقریرات درس سیاست جنایی، دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه آزاد تهران مرکزی، نیمسال اول سال تحصیلی ۹۱ - ۹۰.
۱۲. نجفی توانا، دکتر علی، جرم‌شناسی، چاپ پانزدهم، انتشارات آموزش و سنجش، ۱۳۹۱.
۱۳. نجفی توانا، دکتر علی، تعارض و انسداد در سیاست جنایی ایران، فصل‌نامه تحقیقات حقوقی آزاد، پیش شماره اول، تابستان ۱۳۸۶.
۱۴. والک لیت، ساندر، شناخت جرم‌شناسی، ترجمه دکتر حمیدرضا ملک محمدی، چاپ اول، انتشارات میزان، ۱۳۸۶.
۱۵. وایت، راب و هینز، فیونا، جرم و جرم‌شناسی، ترجمه علی سلیمی، چاپ چهارم، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰.
۱۶. ویلیامز، فرانک و مک‌شین، ماری لین دی، نظریه‌های جرم‌شناسی، ترجمه دکتر حمیدرضا ملک محمدی، چاپ سوم، انتشارات میزان، ۱۳۸۸.

#### منابع انگلیسی:

1. Dictionary of sociology, (2001). Tony lawson, Joan Garrod. Fitzroy Dearborn.
2. Douglas, Mary. (1996). Purity and danger, London, Routledge and Kegan Paul.
3. Garland. D. (1990). Punishment and Modern society: A study in social Theory. Oxford: clarendon Press.
4. Hudson, B.A. (1997). Social control. In Maguir, M., et. Al. (eds). The oxford Handbook of criminology. (2nd ed). New york: oxford university press.
5. Lilly, J.R., Cullen, F. and Ball, R. (1995) criminological theory: context and consequences. Thousand oaks, CA: sage.
6. Ryan, M. (2003) Penal policy and political culture in England and Wales, Winchester: Waterside Press.

۲۲۸.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال نهم، شماره سی و چهارم، زمستان ۱۳۹۵

7. Squires, P. and Stephans, D. (2005). *Rougheustise*, Cullompton, UK: Willan Publishing.

8. Wilson, J. Q. and Herrnstein, R. (1985) *crime and Human nature*, New yourk: simon and schuster.

9. Young, J. (1994) *Incessant chatter: recent Paradigms in criminology*, in M. Maguire, R. Morgan and R. Reiner (eds) *the oxford Handbook of criminology*. Oxford: oxford university press.

10. Zimiring, F. and Johnson, D. (2006), *Public Opinion and Governance of Punishment: Democratic Political System* in S. Karstedt and G. Lafree (eds) *Democracy, Crime and Justice*, *Annals of the American Academy of Political and Science*.